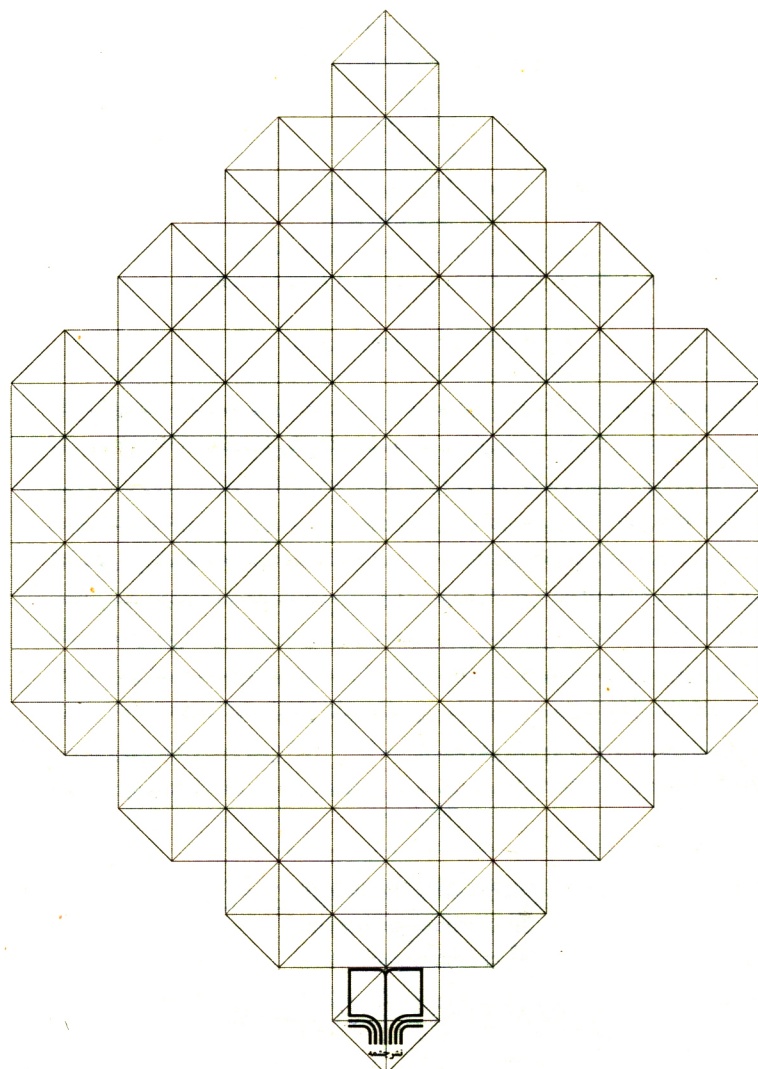


اسطوره‌ها و افسانه‌های شرق

ریچل استورم

ترجمه‌ی ابوالقاسم اسماعیل پور



اسطوره و آیین ۲۰

فهرست

اسطوره‌های مصر، بین‌النهرین، ایران

۱۷

اسطوره‌های هند

۱۰۱

اسطوره‌های چین، ژاپن، آسیای جنوب شرقی

۱۸۹



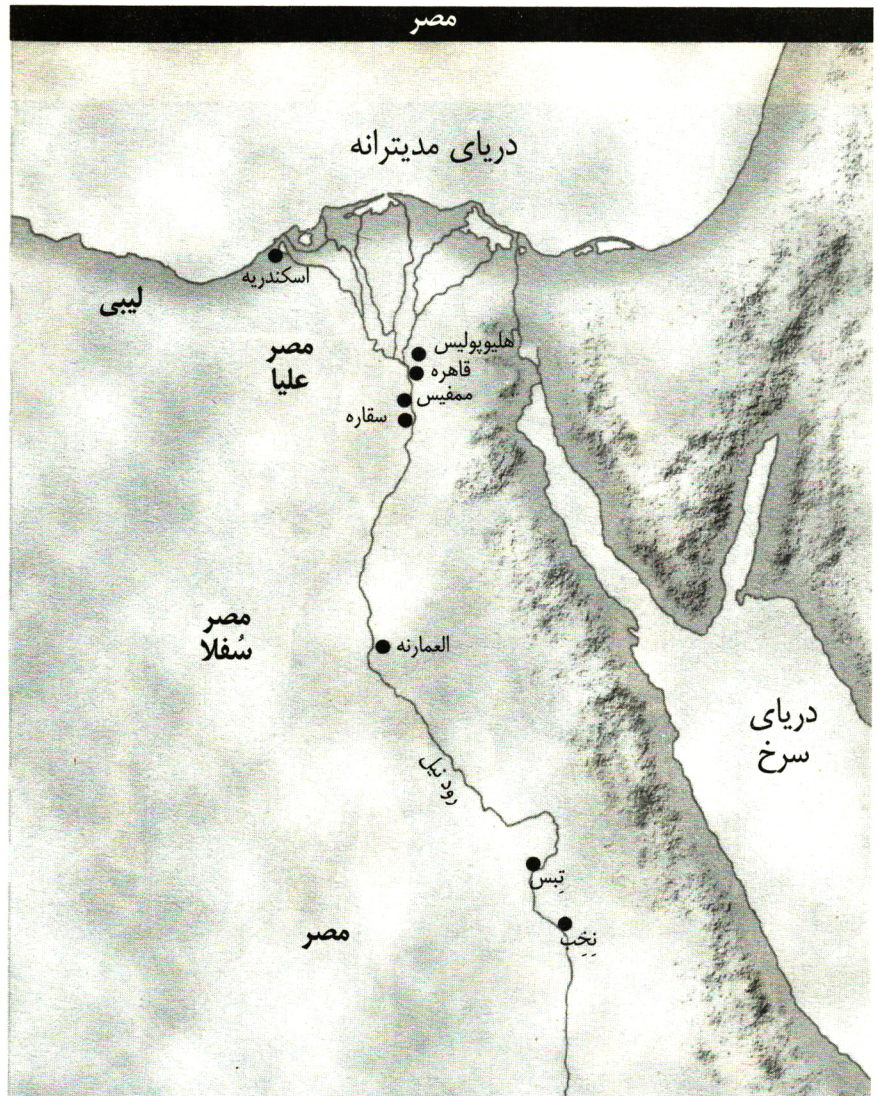
خور میانه‌ی باستان معروف به «گهواره‌ی تمدن» زادگاه دین یهود، اسلام و مسیحیت بود، سه دینی که تأثیری بسیار در فرهنگ انسانی گذارده‌اند و طبق سنت از بازماندگان سام، یکی از پسران نوح، سرچشمه گرفته‌اند. دین زرتشتی احتمالاً نیرومندترین دین زمان خود بود که همچنین در خاور میانه پدید آمد، در حالی که منطقه‌ی پهناورتر آسیای غربی شاهد پیدایی سیر توری‌های توانمند مصری و حتی بود.

این منطقه چه چیزی داشت که چنین دستاوردهای برجسته‌ای یافت؟ دست‌کم یک پاسخ را در جغرافیای این ناحیه می‌توان داد: در این جا بود که کشت غلات نخستین بار آغاز شد، و به واسطه‌ی آن، شیوه‌ای از زندگی سکونت‌گزیده و متمدن آغاز شد که پیش رفت میوه‌های فرهنگی ارزشمندی را به بار نشاندد.

سیلاب سالانه‌ی رود نیل الهام‌بخش بسیاری از سطورهای مصر باستان بود. مردم آن جا به حیثی زمین خشک و تفتیده برای حیات‌بخشی وابسته بودند، موضوعی که در اسطوره‌ی تیریس، ایزد گیاهی مرگ و باززایی آن دیار، مرتب یافت، ایزدی که سرانجام از زندگی رحمت برمی‌بست تا بر جهان زیرین فرمانروایی کند. موضوع مرگ اساطیر مصر را سرشار کرده است و برآمده از این احساس آسیب‌پذیری انسان در پرتو نیروهایی است که تحت نظارت او نیست. حتی بر این باور بودند که ایزد بزرگ خورشید، رع، هر غروب می‌میرد و دوباره در سپیده‌دم زاده می‌شود.

در زمین حاصل‌خیزی که به واسطه‌ی سیلاب‌های سالانه‌ی رود نیل پدید می‌آمد، نخستین ایالت‌شهرهای مصر شکل گرفت که هر یک خدایان ویژه‌ی خود را داشت. سرانجام، در حدود ۳۱۰۰ پ.م، این ایالت‌های جداگانه تحت فرمانروایی فراعنه متحد شدند. بسیاری از ایزدان بومی در ایزدستان ملی پذیرفته شدند، و گروه گسترده و باشکوه ایزدانی برآمدند که بدون درگیری با عقاید بیگانه به‌واقع شکوفا شدند. فراعنه، که واسطه‌ی بین آدمیان و خدایان و

نمادپردازی رابطه‌ی ایزدی میان فراعنه و خدایان؛ هورمهب، واپسین فرعون سلسله‌ی هجدهم در کنار ایزد حوروس، پسر ایزیس و ایزد ایزیس. (حدود ۱۳۲۰ پ.م)



دیگر مردمان آسیای غربی، از جمله آشوری‌ها و حتی‌ها منتقل شد. حتی‌ها، که اساساً از آناتولی برآمدند، در عهد عتیق به عنوان یکی از اقوام اشغالگر کنعان، سرزمین موعود بنی‌اسرائیل، شناخته شدند. بسیاری از نیاکان بنی‌اسرائیل خود اندکی پس از ۲۰۰۰ پم از میان‌رودان به کنعان کوچیدند؛ برخی از آنان به مصر راه یافتند و در آن‌جا، در زمانی ناشناخته، به دست یکی از فرعونان به بردگی کشیده شدند. به هر رو، در سده ۱۳ پم، حضرت موسی بنی‌اسرائیل را از بردگی در مصر نجات داد و آنان را به کنعان بازآورد. آنان در این سفر، پیمان بستند که تنها یک خدا را پرستش کنند: یهوه.

ایزدستان کنعانی که بنی‌اسرائیل در پایان سفرشان به آن برخوردند، زیر سیطره‌ی بعل، ایزد باران، باروری و توفان‌ها بود. بسیاری از ایزدان دیگر نیز همین نام را یافتند، که به «خداوندگار» ترجمه می‌شود، اما بعل اصلی ایزد جنگاور مرگ و باززایی بود. صفات او بازتابنده‌ی شیوه‌ی از زندگی کنعانیان بود که، همانند زندگی همه‌ی مردمان دیگر منطقه، پیوند تنگاتنگی با چرخه‌ی کشاورزی داشت.

همین که آن قبیله‌ها در کنعان ساکن شدند، با پرستش یهوه، که دیگر خدای برتر به شمار می‌آمد، با یکدیگر متحد گشتند، هر چند شعایر



بعل، ایزد باستانی باروری، مرگ و باززایی که کنش‌هایش نماد رشد و زوال گیاهان بود. (عصر مفرغ: ۱۳۰۰ - ۱۴۰۰ پم)

پایتخت منطقه شد و سومر کم‌کم جذب بابل شد. معیشت اهالی میان‌رودان، همانند مصری‌ها، به چرخه‌ی کشاورزی وابسته بود، و ایزدستان آن‌ها نیز در برگیرنده‌ی ایزدان مرگ و باززایی بود. به هر رو، زندگی میان‌رودانی‌ها مخاطره‌آمیزتر از مصری‌ها بود. نه تنها سیلاب رودخانه‌های آن‌ها ناگهانی و پیش‌بینی‌نشده بود، بلکه مردم نیز همواره از سوی قبیله‌های غارتگر و مهاجمان بیگانه تهدید می‌شدند. بنابراین، اسطوره‌های آن‌ها به تصویر زندگی به مثابه‌ی نبرد پیوسته بر ضد نیروهای آشوب کیهانی گرایش داشت.

به رغم ناستواری سیاسی، میان‌رودان باستانی ادبیات گسترده‌ای را پدید آورد. در نتیجه، ایزدان و اسطوره‌های میان‌رودانی به

منصوب‌شده از جانب آنان به شمار می‌آمدند، تمرکز سیاسی و دینی در تمدن و فرهنگ مصری پدید می‌آوردند. قدرت آنان چنان بود که تا سرزمین کنعان و سوریه گسترش یافت. به هر رو، در حدود ۱۳۸۷ پم فرعون آخناتن دست به اصلاحات گسترده‌ی دینی زد که هر چند سرانجام پس از مرگش بازگشته گشت، قدرت مصر را تضعیف کرد.

ساکنان میان‌رودان، همانند مصری‌ها مجذوب سرزمین ثروتمندی شده بودند که در پی سیلاب رودها پدید می‌آمد. سومری‌ها، مردمی غیرسامی (که از بازماندگان سام نبودند)، حدود ۴۰۰۰ پم در میان‌رودان، منطقه‌ای بین رودهای دجله و فرات، ساکن شدند. پس از حدود ۲۰۰۰ سال، بابل



زرتشت، مصلح بزرگ دینی ایران باستان، آتش و قانون اصلاح را دریافت می‌کند که از سوی اهورامزدا، بُن خیر به او داده می‌شود. زرتشت در سی سالگی الهامات متعددی از امشاسپندان یا نامیرایان مقدس دریافت کرد. (نگاره‌ی سده‌ی ۱۹ م)

بر آوردند. در آن‌جا، آنان در محور کیش‌های رازآمیز قرار گرفتند، کیش‌هایی که در سده‌های آغازین مسیحیت نشوونما یافتند. هنگامی که بسیاری از ایزدان کهن آسیای غربی اعتبار خود را از دست می‌دادند، مردم بر این باور بودند که این ایزدان تجدید روح کرده و پیروان خود را به الوهیت پیوند می‌دادند.

یکتاپرستی سرانجام در آسیای غربی پیروز شد. زمانی که حضرت محمد (ص) در حدود ۵۷۰ م زاده شد، دین یهود و بعدها مسیحیت در سراسر منطقه گسترش یافتند و همچنین در شبه جزیره‌ی عربستان رخنه کردند. با ورود یکتاپرستی اسلام، روزگار ایزدان کهن دیگر کم‌کم به سر رسید.

زمانی که فرعون آخناتِن در ۱۳۶۷ پم رفته‌رفته اصلاحات دینی گذشته را زنده می‌کرد، این کشور هرگز کاملاً رنگ آرامش یا قدرت به خود نگرفت و ایزدستان شکوهمندش را روزبه‌روز اعتقادات بیگانه تهدید می‌کرد.

یکتاپرستی، که هم بنی‌اسرائیل و هم زرتشتیان آن را ترویج می‌کردند، بدین‌گونه رفته‌رفته صف طویل و نمایشی ایزدان و ایزدبانوان را که تا آن زمان در سراسر آسیای غربی چیرگی داشتند، در هم می‌شکست، و این منطقه بیش‌تر به آشوب کشیده می‌شد. در طول سده‌های بعد، یونانیان و رومی‌ها بر آن استیلا یافتند. به هر رو، سی‌پل، بزرگ ایزدبانوی مادر آسیای صغیر؛ ایزیس، بزرگ ایزدبانوی مادر مصر، و میترا، که در اصل ایزد خورشید در ایران باستان بود، همه از روم سر

می‌بردند. دیگر ایزدان تا مدتی دوام آورد. پیروان هریر مونا اورشلیم گرد آمدند. در ۵۸۷ پم بی‌شهر را گشودند و سران بنی‌اسرائیل تبعید شدند. در عوض، پس از نزدیک به یک‌سال، مهامنشیان ایران، که یونانیان آن‌ها را پیروز می‌نامیدند، بابل را فتح کردند.

کشور کنین پارسی بابلی‌ها را با دین زرتشتی آتش کردند که هر چند به‌سستی به آن رو آورند. جهان را در پنجه‌ی نیروهای نیک و بد می‌دیدند. زرتشت، پایه‌گذار این دین، که اکثریت بین‌باورند که نزدیک به ۱۲۰۰ سال پیش است. دیدگاهش را درباره‌ی یک ایزد واحد و متعال ترویج می‌کرد. ایزدان میان‌رودان، که بکتاپرستی پیش‌رونده‌ای روبه‌رو شدند، کم‌کم قدرت‌شان را از دست دادند. در ۵۳۹ پم پارسیان نیز مصر را گرفتند. از